

برای زنانِ قربانی ؛ در «جهادِ نکاح» داعشی های
عراق ، ایران ، افغانستان نیجریه وو ...

کابوسِ ما هِ تاریخ

حسن حسام

جارچیان :

مُنجیانِ پیروزِ مست
بر تلِ آبادی های فتح شده
بر مناره هاومعبر ها
به بانگ بلند ،

ندا می دهند:

دختران

همسرانِ کا فران

بیوگان

حرم های مردانِ مغلوب !

ما فاتحانیم

به شمشیرِ آخته

آنک

حلال ما ئید

وحرام دوزخیان

با خلیفه ی مسلمین جهان

ابوبکر ا لبغدادی

بیعت کنید

فاتحان :

فاتحان را

از چشمه سارتان

سیراب نماید

چشمه سارا نی که خدای آفرید

از برای شرب مردانِ جهادگر

دختران

همسرانِ کافران

بیوگان

کشتزارانِ مردانِ پیروز!

با فافتحانِ مسلمان

به حجله درآیید

آراسته در عفاف حجاب

راویان :

پس آنگاه

مردانی بی چهره

پیچیده در سیاه جامه

دژم

تیره چشم

وخیره سر

باخنجری خون آلود

برشال کمر

و سر بریده مغلوبان

دردست

به حجله اندر شدند

تاکام از غنائم جنگی بستانند

شاهدان :

زنانِ آسیمه سر

اما

دربدر
در صحرای هول و شقاوت
برشطی از خون و ادرار
آهوا نی بودند
تک افتاده
بی یار
به چون بید بُنان ،
در معبر توفان
می لرزیدند
می لرزیدند
می لرزیدند
و در هراسِ تبار خود
می سوختند
پژمرده می شدند
می مُردند
وزمین
از چرایِ بودنِ خود
شرمگین بود

حسن حسام

نه ژوئیه دوهزارو چهارده پاریس